

تکلمه ای بر مصاحبه اعلیحضرت

باکانال ده تلویزیون اسرائیل

امیر فیض - حقوقدان

پیرو نقدی که به مصاحبه اعلیحضرت باکانال ده تلویزیون اسرائیل تعلق گرفت و اظهارنظرهایی که نسبت به مصاحبه مزبور انتشاریافت بنظر میرسد که تنظیم این تکلمه هم بجاباشد.

حمایت و کمک

حمایت و کمک از نظر معنای لغوی و عرفی، بسیار بهم نزدیکند، ولی در اجرا به دو صیغه منقسم است:

حمایت، جنبه معنوی دارد و کمک جنبه مادی، یک مثال میتواند تفاوت آن دورا نشان دهد.

در دعوی حقوقی و یا کیفری، شخصی که از طرفین دعوا جانبداری میکند اگر جانبداری در حد شهادت و راهنمایی باشد حمایت است، و اگر در حد گرفتن وکیل و تعهد حق الوکاله و هزینه دادرسی و امثال آن باشد کمک است کسی که به نیارمندی پول میدهد کمک است، و کسیکه به نیارمندی راهنمایی میکند و یا کاری برایش پیدا میکند حمایت کرده است.

حمایت و کمک در سطح کشورها

حمایت در سطح کشورها بصورت جانبداری و رای در مناقشات و مجامع عمومی و امثال آنهاست که صرفا جنبه مادی و سیاسی دارد مانند قطعنامه های سازمان ملل متحد نسبت به تقبیح کشور مشخصی.

کمک در سطح کشورها که بصورت کمک مادی و اقتصادی و یا وام و نظامی و جنگی وجود دارد سابقه ای طولانی و قدمتی کهن دارد. از باب مثال در حمله آمریکا به عراق ۱۷ کشور در کمک به آمریکا مشارکت داشتند و کشورهای بیشتری از آمریکا در حمله به عراق حمایت کردند ولی کمک نکردند، رکن اساسی در این قبیل کمکها رابطه کمک بین دولت کمک گیرنده با دولت کمک دهنده است.

کمک و حمایت کشورها از مردم کشورهای دیگر

کمک کشورها به مردم کشورهای دیگر تحت عنوان کمکهای بشردوستانه معمول است و آن کمکهای غذایی و بهداشتی و ساختمانی در شرایط خاصی است که برای کشوری پیش میآید مانند زلزله و جنگهای داخلی و امثال آنها **شرط اصلی جریان کمک موافقت کشور کمک گیرنده است**، و این بدان معناست که کشورها **حتی بعنوان خدمات بشردوستانه هم حق دخالت در امور کشورها و یا کمک و یا حمایت از مردم سایر کشورها ندارند**.

اخیرا یعنی در رابطه با جریان سوریه عنوان تازه ای هم درباره کمک به مردم کشورها علیه دولت متبوع خودشان بوجود آمده که آن کمکهای غیرکشنده است که معلوم است و اثر تراشی برای کتمان حقیقت است از باب مثال پول میتواند عنوان ظاهری آن، کمک غیرکشنده باشد ولی اولین وسیله تهیه و مسائل کشتاری پول است. در کنفرانس اسلامبول در روز اول آوریل سال جاری مقامات شورای ملی سوریه به اعتبار و جوه نقدی که از کشورهای آمریکا، عربستان و قطر دریافت میدارند اعلام کردند که به مخالفان حقوق پرداخت میشود.^۱

البته که حقوق کمک غیرکشنده است نه برای کسی که با حکومت میجنگد!

^۱ - بخوانید مزدوری با شیوه های مدرن در تعریف های مدرن تر... !!! ح-ک

این قبیل واژه ها در دوران حکومت آقای باراک اوباما کاربرد بیشتری یافته است از جمله عنوان <دوستان سوریه> است که به کشورهایی که علیه دولت سوریه موضع گرفته اند عنوان عجیب و بی محتوای دوستان سوریه داده شده است درست مصداق <برعکس نهند نام زنگی کافور>

کشورها فقط در یک مورد حق حمایت از ساکنین کشور ثالث را دارند و آن در صورتی است که حمایت متوجه شخص و یا افرادی باشد که تابعیت کشور محل اقامت را نداشته و تابع کشور حمایت کننده باشند و در واقع حمایت از افراد کشور خود است که در کشور دیگری اقامت دارند.

حمایت از اهالی کشورهای ازبک تزییع حقوق انسانی که وظیفه دولت متبوع اهالی کشور است در اثر تحولات جهانی و خاصه اعلامیه جهانی حقوق بشر ابعاد دیگری نیز یافته است که سبب ایجاد شوراها و حقوق بشرو میثاقهای مربوطه گردیده است که به رعایت حقوق بشر نظارت میکنند، ولی با آنکه حفظ حقوق انسانی عالیترین خواست کشورهاست معهذا کشورهایی که عضویت کمیسیون های حقوق بشری و یا عهدنامه های مربوطه را ندارند الزامی در رعایت توصیه سازمان های حقوق بشری را ندارند.

و این خود اهمیت خاص و حساس حاکمیت کشورها را نشان میدهد.

درخواست بخشی از اهالی یک کشور از کشور دیگری برای مداخله در امور کشور و یا کمک به اقدامات علیه دولت متبوع متقاضی کمک، هیچ سابقه حقوقی متکی به نص ندارد ولی همانطور که تاریخ گواهی است این نوع مداخلات سابقه و نمونه های مفصلی دارد، و بنا بر آمار که دیدم از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۹۹ تنها آمریکا به ۱۱۲ مورد عملیات نظامی مداخله جویانه در کشورهای دیگر مبادرت کرده است که اغلب هم به نتیجه دلخواه کشور مداخله کننده رسیده است که نمونه سرزبانها همان الگوی لیبی و اظهارات خاتم کلینتون است.

بشت پرده تقاضای کمک

در روی پرده نمایش کمک چنین خوانده میشود که افرادی از کشوری که مخالف حکومت کشور خود هستند از کشور ثالثی درخواست کمک مادی و تکنولوژی و غیره مینمایند، باز خوانده میشود که دولت کمک کننده باتصویب بودجه ای و یا از اعتبارات مخصوص دولت، به متقاضیان کمک، مبالغی میپردازد.

اما پشت پرده جریان دیگری است! همانطور کسی که از بانکی درخواست وام دارد بانک بررسی های لازم را انجام میدهد که آیا وامی که به متقاضی میدهد قابل برگشت است یا خیر، دولت های طرف درخواست کمک هم دقیقاً بررسی میکنند که آیا متقاضیان کمک امکان موفقیت علیه دولت کشورشان را دارند یا خیر؟ بهای تیرگی روابط با دولت طرف مخاصمه با کمک گیرندگان چه میزان است؟ بازتاب های بین المللی این کمک ها چیست و از همه مهمتر پرسیژ و اعتبار ملی کشور کمک دهنده است، زیرا اگر علیرغم کمک، مخالفان حکومت، نتوانستند پیروز شوند شکست و ضایعه بزرگی برای کشور کمک دهنده خواهد بود به همین دلیل کشور کمک دهنده برای کسب موفقیت حتی خود را برای جنگ با دولت طرف با

مخالفین آماده میسازد (۱)

علاوه بر آن این نکته مورد توجه است که کمک به مخالفین یک دولت امری محدود به زمان نیست و کمک از باب کیفیت و کمیت همچنان ادامه خواهد داشت (۲)

نمونه ای که میتوان ارائه داد (۲) اظهارات وزیر دفاع آمریکا است که در کمیته نیروهای مسلح آن کشور گفت «ما ۱۰ میلیون دلار به شورشیان سوریه کمک میکنیم و این کمک مرحله اول است، کمک به دوستان سوریه به منظور افزایش

قدرت مخالفان حکومت سوریه ادامه خواهد یافت - آقای وزیر دفاع آمریکا در همان کمیته نیروهای مسلح آمریکا توضیح داد که دوفرمانده ارشد نظامی آمریکا از دستورات آقای اوباما برای آمادگی حمله نظامی به سوریه خبر داد (۱)

این مسائل و توابع آن ایجاب میکند که دولت کمک کننده هینت ها و کارشناسانی را برای نظارت و مصرف بهتر و جویی که بعنوان کمک به مخالفین دولت ها میپردازد تعیین کنند، که در عین حال مبارزه مخالفین راطراحی و نظارت و در مواقع لازم

کنترل و متوقف سازند

سوابق نشان میدهد که کارشناسان و هیئتهای مزبور از مبارزه مخالفین بعنوان یک حربه سیاسی برای معامله با دولت طرف مخالفین استفاده مینمایند و در مواقع مقتضی آنها را رام میکنند (نمونه کردهای بارزانی و ایران - ایرلند)

همین هیئتها و کارشناسان هستند که بادیسته بندی های سیاسی کم کم افرادی را که خود تشخیص میدهند بر مخالفین مسلط میسازند تا منافع کشور کمک دهنده را مقدم بر منافع کشور خودشان بدانند و یا با فراهم ساختن زمینه هائی رهبران کمک گیرنده را تحت انقیاد خود در آورند که وقتی موفق شدند کشورشان وابسته و تحت تسلط کشور کمک دهنده قرار گیرد.

همین سوابق و وابستگی های به کشورهای بیگانه سبب میشود که بطور کلی و عموم، مخالفین حکومتها حساسیت خاصی نسبت به خواست کمک از بیگانگان را دارند و مردم کشورها هم در راستای این حساسیت، متقاضیان کمک از کشورهای بیگانه را مردود و تهی از شرافت ملی میدانند.

درخواست کمک از اسرائیل

درخواست کمک از اسرائیل در بیانات اعلیحضرت چنین متبادر به ذهن میشود که اسرائیل تاکنون به مخالفان حکومت جمهوری اسلامی کمک نکرده است و برای اولین بار است که ایشان درخواست کمک را مطرح میفرمایند.

اظهارات شخصیت های اسرائیلی نشان از عمق کمکهای آن کشور به جنبش سبز است عظمت و اهمیت کمک اسرائیل است که جنبش سبز بعنوان سربازان اسرائیل در مبارزه علیه جمهوری اسلامی به جهانیان معرفی شد، کمک مزبور چنان با حقیقت عینی همراه بود که حتی یکنفر از وابستگان جنبش سبز در خارج و یا داخل ایران این اعلام شخصیت های اسرائیلی را تکذیب نکردند.

(آقای شیمون پرز رئیس جمهور اسرائیل در آژانس یهود اعلام کرد «مخالفان دولت ایران به نیابت از ما با جمهوری اسلامی در خیابان ها میجنگند و جنگ با ایران از داخل آغاز میشود»^۲)

در حالیکه محققین، افول شدید جنبش سبز از تظاهرات ملیونی به حداکثر ۳۰۰ نفر را وابستگی جنبش سبز به اسرائیل و آمریکا دانسته اند چرا باید این تجربه تلخ بار دیگر با اتهام گدانی از اسرائیل مطرح شود؟

اعلیحضرت در همان مصاحبه با کانال دهم اسرائیل برداشت عجیب و حیرت انگیز خودشان را چنین ارائه فرموده اند:

«اعلام جنگ و حمله به ایران بهترین کاری است که شما میتوانید برای این حکومت انجام دهید و یا حتی در واقع حمله کنید مردم ایران به جای حمله به تاسیسات اتمی کشورشان از کمک اسرائیل به مخالفان قدردانی خواهند کرد»

مفهوم برداشت و بیان اعلیحضرت دانه را ایجاد حق حمله اسرائیل به کشور ما، آنهم در مقام بهترین کار و سپس قدردانی بمناسبت کمک مادی به مخالفان حکومت از نظر حقوق بین الملل و فرهنگ ملی ایرانیان غیر قابل تحمل است، یقین دارم که در بیان این مطالب نهایت بی فکری و بی احتیاطی شده است.

اعلیحضرت میفرمایند: «رسالت من رساندن صدای مردم ایران به جهانیان میباشد»

^۲ - جنگ از داخل، ترور دانشمندان اتمی ایران در درون خاک ایران توسط عوامل مجاهدین خلق یا عوامل نفوذی دیگر را شاهد بوده ایم. ح-ک

آیا درخواست کمک مالی و تکنولوژی و غیره و راه انداختن ارتشی به کمک اسرائیل، خواست مردم ایران و صدای آنهاست؟

اعلیحضرت در همین آخرین مصاحبه با روزنامه آلمانی <دویچه وله> میفرمایند:

«اساس مشروعیت هراقدامی نهایتا باید تائید و پشتیبانی مردم آن کشور باشد. هرکاردیکری عبث خواهد بود اگر پشتیبانی و کشش را در درون کشور نداشته باشد و فقط در حد یک ادعای باقی خواهد ماند این مسئله را نباید فراموش کرد»

آیا درخواست کمک مالی و تکنولوژی و لشگر راه انداختن از اسرائیل، باتائید و پشتیبانی مردم ایران است؟!

و یا در حد همان حد اتهام سنگین و ننگ تاریخی و حیرت مردم باقی میماند؟

اعلیحضرت در همان مصاحبه <دویچه وله> میفرمایند:

<من تاکید میکنم که هرگز هیچ وقت ادعای نمایندگی و یاربری دسته و یارگروهی رانکرده ام !!! و نخواهم کرد اما انتظاراتی که بسیاری از هم میهنانم از من دارند یک رسالت بسیار مهم دارم و آن هم کمک به اتحاد و همبستگی و همکاری هرچه بیشتر بین نیروهای سیاسی در این مرحله زمانی است>

آیا رسالتی را که مردم ایران از اعلیحضرت انتظار دارند همین دست کمک و گدانی به سوی اسرائیل است؟ یا آن چیزی که فرهنگ ایرانیان بر آن حکم تاریخی داده است؟ آیا لازمه متحد ساختن ایرانیان این چنین مصاحبه ها و ایجاد وابستگی ها و زیر پا گذاشتن شرافت ملی و تلاش سی ساله مبارزاتی آنهاست؟

چگونه میتوان این انصاف گم شده ریافت که جای آن رسالت تاریخی را دست تضرع و التماس از اسرائیل بگیرد؟

در همان مصاحبه بر این حقیقت تاکید گذارده اند که:

«مردم ایران بهترین نیرو برای مقابله با نظام خودشان هستند و تاکنون بدون کوچکترین پشتیبانی رفتند و اینهمه ریسک و خطر کردند»

چرا باید این نیروی مردمی با درخواست کمک مالی و دیگر کمکهای اسرائیل و یاهر کشور بیگانه ای ملوث به ننگ و نوکری و وابستگی به بیگانه گردد؟!

در همین مصاحبه دویچه وله میفرمایند:

«اگر مقصود از اپوزیسیون به مفهوم ساختارهای هماهنگی در خارج است ما هیچ نیازی به کمک گرفتن از هیچ دولت خارجی نداریم چون به اندازه کافی و به صورت بالقوه امکانات مالی در میان ایرانیان داخل و خارج وجود دارد که بتواند این هزینه ها را بپردازد بدون اینکه بخواهیم به یک کشور خارجی وابستگی پیدا کنیم»

در حالیکه اعلیحضرت میدانند و اعلام هم میفرمایند که به اندازه کافی و بالقوه امکانات مالی از ایرانیان داخل و خارج هست و همچنین در گذشته نیز اعلام داشته اند که ۹۰ درصد هزینه های مبارزاتی ایشان از داخل کشور تامین میشود و آگاه هم میباشند که در فرهنگ و سنت ما ایرانیان <برات شاه هیچگاه لاوصول نمیمانند> و باز میدانند و اعلام هم میفرمایند که تامین هزینه های مبارزه از سوی کشور دیگری ایجاد وابستگی میکند، پس چرا اعلیحضرت به این مهمات عنایت لازم را مبذول نمیفرمایند و بتمنای کمک از بیگانه، آبروی خود و ملت رابه و وابستگی خارجی میدهند.

حتی افغانها هم ملاقات مخالفان حکومت ربا اعضاء کنگره آمریکا تقبیح کردند و آنرا مداخله در امور کشور خودشان اعلام کردند (بی-بی-سی ۲۳/۴/۲۰۱۲)

این حساسیت منطقی افغانها را مقایسه کنید با درخواست مداخله اسرائیل در امور کشور ما.

در کتاب زمان انتخاب این تصریح را آورده اند که **«نباید اپوزیسیون دمکراتیک ایران مورد پشتیبانی هیچ حکومتی قرار گیرد. حفظ استقلال اپوزیسیون نیازی حیاتی است»** صفحه ۹۰ آن تصریح شرافتمندانه کجا و این درخواست ها و التماسهای از اسرائیل کجا؟!

اعلیحضرت در همین مصاحبه دویچه وله مطلب قابل تعمقی را در بقره شنوندگان و خوانندگان مصاحبه میفرمایند و آن این است که میفرمایند:

«اگر قرار است دولت و یاکشوری در حمایت از مردم ایران اقداماتی انجام دهند، هر اقدام که میتوانند و در اختیارشان باشد باید در اختیار مردم ایران قرار دهند مقصود من حمایت از نهضت مقابله و مخالفت مردم به مفهوم اپوزیسیون است امیدوارم این نکته را برای همه روشن کرده باشم»

انگیزه این قسمت از فرمایشاتشان از آنجاست که در مصاحبه با کانال دهم اسرائیل، درخواست کمک مالی از اسرائیل متوجه کل مخالفان جمهوری اسلامی میشود. اعلیحضرت در مصاحبه با دویچه وله مصلحت دانستند که کمک اسرائیل فقط متوجه اپوزیسیون گردد یعنی بجای مخالفان جمهوری اسلامی، اپوزیسیون را متقاضی کمک معرفی کنند.

در حقوق سیاسی اپوزیسیون حکومت، به کلیه مخالفین بدون استثناء اعم از معتقد به براندازی و یا اصلاحات اطلاق میگردد، بنده درک نکردم که مقصود اعلیحضرت کدام اپوزیسیون است، شاید هم هدفشان همان اپوزیسیونی باشد که در کتاب زمان انتخاب فرموده اند «به عنوان نماینده اپوزیسیون دموکراتیک این رژیم تمامیت خواه میگویم» است (صفحه ۱۹۸)

در همین مصاحبه دویچه وله میفرمایند:

«دغدغه اپوزیسیون سیاسی این نظام فقط یک چیز میتواند باشد و آنهم یک پروژه مشترک برای برگزاری انتخابات آزاد است»

چنین پروژه ای چه نیازی به توسل به بیگانه و یا اسرائیل دارد؟ آری دارد، برای اینکه اسرائیل و یایک کشور دیگری با جنگ های داخلی و تجزیه کشوری و یا جنگ های جدی سبب سقوط جمهوری اسلامی بشود و آن وقت دغدغه اپوزیسیون سیاسی که همان انتخابات است انجام گیرد!

در حالیکه مقرر شده که مبارزه فقط در چارچوب نافرمانی مدنی و بدور از خشونت است درخواست راه اندازی لشکر آزادی اسرائیل و کمک های مادی چه نیازی است؟ پاسخ میتواند این باشد که کشتار و خونریزی و خرابکاری با لشکر راه اندازی شده اسرائیل است و کارهایی مانند مرده شویی و آشپزی و پاک کردن کفش و اسلحه لشکر اسرائیلی که اعمالی کاملاً بدور از خشونت است بعهده ایرانیان است.

چگونه یک شخصیتی با داشتن زمینه های ملی و نماد هویت تاریخی و قانونی، رفع گرفتاری یک ملت ۷۰ میلیونی با سابقه تاریخ ۲۵۰۰ ساله را از یک ملت سه میلیونی ۶۰ ساله متجاوز و خود سربه منشور سازمان ملل درخواست مینماید؟ آیا این ۷۰ میلیون آنقدر بدبخت و خاک بر سر و بی عترت و بی شعور و بی غیرت است که باید اسرائیلی نجاتش بدهد؟ آنهم شخصیتی که در کتاب زمان انتخاب میفرمایند:

«**هیچ آدم جدی عنوان مرابغوان وارث نهاد پادشاهی انکار نمیکند**» (صفحه ۳۳)

اعلیحضرت که از رسالت تاریخی و قانونی خود در رهبری مبارزه دریغ میفرمایند چرا باید رهبری کار و عملی ننگین، خلاف شرافت و باور ایرانی و مخالف با قانون و سنت ایرانی را بعهده بگیرند؟!

قضاوت تاریخ غیر این نخواهد بود که بعد از سی سال صحبت از مبارزه و تظاهرات آن، بالاخره مبارزه در منجلا ب کمک اسرائیل مدفون شد

اعلیحضرت ما این راه نجات ایران نیست، چاه است برای انهدام اعتبار سیاسی شما